

شرق روزنامه

نگاه

«دستمر را بکیر» به روایت کارگردانش

در این مجموعه داستان نمی‌سازم

سپیده حیدرآبادی: گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی موجب شده همه مردم دنیا از سبک زندگی هم باخبر شوند و البته هر روز بیشتر نسبت به شکل زندگی آدم‌های دیگر، خصوصا افرادی از جامعه خودشان کنجکاو شوند. یک وجه مثبت کنجکاوی این است که خوبی‌های زندگی همدیگر را یاد بگیریم. سعید ابوطالب، تهیه‌کننده و کارگردان، سعی دارد در مجموعه «دستمر را بگیر» بی‌واسطه و کاملا واقعی بگوید که چگونه می‌شود به دیگران کمک کرد یا به‌عبارت دیگر چگونه آدم‌های خبر داوطلب مشکلات زندگی یک هم‌وطن را می‌فهمند و چطور تا آخر با او همراه می‌شوند و زندگی او را نجات می‌دهند. متن زیر توضیحات سعید ابوطالب است درباره این مستند که در اختیار ما قرار داده است.

من در این مجموعه داستان نمی‌سازم، بلکه داستان‌های واقعی آدم‌ها را توسط خودشان روایت می‌کنم. حالا اگر این داستان‌ها و گروه‌های داوطلب پیش از چند نفر باشند و موضوعات کاملا متفاوت و ما از آنها خواسته باشیم در یک رقابت خودخواسته در یک بازه زمانی مشخص شرکت کنند، نامش می‌شود مستند – مسابقه؛ همان کاری که ما در مجموعه «دستمر را بگیر» تجربه می‌کنیم. در این مجموعه شش، هفت گروه سه‌نفره هرکدام یک سوزه را انتخاب و رقابت داوطلبانه را شروع کردند. برای یافتن گروه‌های داوطلب ما سراغ جوانان و دانشجویان و افرادی رفتیم که می‌دانستیم بی‌بیا هو در جایی این نوع فعالیت‌ها را انجام می‌دهند، سپس موضوعات یا سوزه‌های مشابهی را به‌طور نمونه برای آنها مطرح کردیم یا آنها خودشان پیشنهاد کردند. در این فعالیت ما به آنها کمک نمی‌کنیم.

آنها خودشان باید همه سختی کار را به دوش بکشند مثل بقیه گروه‌ها. به‌هرحال این یک رقابت است. باید راه‌حلی را پیدا و خودشان هزینه‌های آن را تأمین کنند.

زندگی‌ها در قالب قصه‌هایی دراماتیک

مسئله مهم، یافتن گروه‌های داوطلب بود. با صدها نفر صحبت کردیم تا گروه‌هایی انتخاب شوند که هم به این‌ کار علاقه دارند و هم تجربه قبلی دارند و مهم‌تر اینکه بتوانند هفته‌ها و ماه‌ها وقت بگذارند. این گروه‌ها موضوعات مختلفی را پیشنهاد می‌دادند که باید با هم یکی را انتخاب می‌کردیم تا امکان ساخت داشته باشند. ماجراهایی که انتخاب شده خیلی جذاب و دراماتیکند. الان نمی‌توانم بگویم دقیقا قصه‌ها چیست و به چه سرنجامی رسیدند، چون همه این گروه‌ها در یک رقابت قرار دارند و مخاطب تلویزیونی باید گروه موفق‌تر و دوست‌داشتنی‌تر را از نظر خودش انتخاب کند.

کولبرها زیر ذره‌بین

یکی از داستان‌ها مربوط به کولبرهاست؛ یافتن کولبری که در مرزهای کردستان از داخل عراق و از مسیر کوهستان بار به داخل کشور می‌آورد. یک گروه ادعا می‌کند که این کولبر را از این زندگی سخت نجات می‌دهد. ما منتظریم ببینیم آیا می‌تواند به وعده‌اش عمل کند یا خیر؟ ما خارج‌دهای از جوانان جنوب غربی می‌گویند که در مناطقی از جنوب استان کرمان در آبادی‌های بسیار دور‌دست کودکان لازم‌التعلیمی وجود دارند که دسترسی به کلاس و درس ندارند، حتی دسترسی به امکانات حداقلی زندگی هم ندارند؛ جایی میان شش‌زهای گوبری که جاده ندارد، آب آشامیدنی و برق ندارد. آنها ادعا می‌کنند این دخترچه‌های نازنین را آموزش می‌دهند تا سواد خواندن و نوشتن بیاموزند و بعد برای ما نامه بنویسند.

تالاسمی در جزیره مینوی خشر

گروه دیگری می‌گویند که قصد دارند دخترچه کوچکی را که در خرابه‌ای در اطراف شهر مشهد همراه پدر و مادرش زندگی سخت و بی‌رحمانه‌ای دارد، نجات بدهند. آنها می‌خواهند شرایط زندگی را برای این دخترچه به حالت عادی برگردانند. کار سختی است و همت بالایی می‌خواهد. زمان می‌برد و حتما نیاز مالی پیدا می‌کنند، آنها باید خودشان مسئله را حل کنند. مشکل اصلی همه این پروژه‌ها امکان حل واقعی مشکل است. به‌هرحال این گرفتاری‌ها مسائل جاری کشور ماست، مثلا، یکی از گروه‌ها سراغ دخترچه‌ای رفته که دچار تالاسمی مازور است و در جزیره مینوی خرمشهر زندگی می‌کند. گروه داوطلب ما می‌خواهد از همه جهت به او و خانواده‌اش کمک کند تا این دخترچه پیوند مستخوان بگیرد، اما مسئله واقعا نه این سادگی نیست. در طول مدت فیلم‌برداری هرروز خبرهای ناامیدکننده‌ای می‌رسید؛ مثلا معلوم شد اقوام درجه‌اولش اهداکننده‌های مناسبی نیستند یا اینکه بعضی از اقوام او که ممکن است اهداکننده مناسبی باشند اصلا در دسترس نیستند یا اینکه اگر اهداکننده مناسب در داخل کشور پیدا نشود، هزینه به‌دست‌آوردن نمونه مناسب از خارج از کشور خیلی زیاد است و این از عهده ما خارج است و این در حالی است که زمان برای دخترک خیلی زود از دست می‌رود و ده‌ها مسئله دیگری که باید در فیلم ببینید. همه این گروه‌ها مشکل‌ترین موضوعات را انتخاب کرده‌اند تا ببینند باور کند که می‌توان با تلاش و اراده، یک هم‌وطن نیازمند را به زندگی برگرداند. شعار این مجموعه «یک نفر را به زندگی برگردانیم» است.

مردم قضاوت می‌کنند

فکر می‌کنم که کمک باید متعهدانه و تأثیرگذار باشد. کمک مالی یا غذا و لباس‌دادن به یک فرد درمانده فقط مشکل امروز او را حل می‌کند، اما ما باید مشکل واقعی افراد نیازمند جامعه را پیدا کنیم و آن مسئله را تا انتها و برای همیشه حل کنیم. لاقل او را به زندگی برگردانیم و امید را در درونش زنده کنیم؛ مثل بچه‌های کار واقعی در شهرهای بزرگ که فقط ابزار تولید خبر و فیلم هستند یا کسانی که به قلب احتیاج دارد و مسئله‌اش فقط جراحی قلب نیست، بلکه او و خانواده‌اش در همه زمینه‌ها نیاز به کمک دارند. گاهی فقط یک کمک فکری هم آنها را نجات می‌دهد؛ موضوعاتی از این دست که حالا باید مخاطبان تلویزیون ببینند و قضاوت کنند. قطع نظر از موفقیت کامل هرکدام از گروه‌ها، در انتها ببیند باید گروهی را که تصور می‌کند مسیر بهتری را برگزیده و انسانی و زیاتر مشکل یک هم‌وطن را حل کرده، برگزیند.

دکه

پرفروش‌ترین فیلم سال در شبکه نمایش خانگی

گروه هنر؛ مدتی قبل عرضه نسخه قاچاق فیلم «نهنگ عنبر ۲» حاشیه‌ساز شد. طبعاً قاچاق محصولی که چیزی از اکران عمومی‌اش نگذشته و توانسته در اکران عمومی توجه بسیاری را به خود جلب کند و عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال را به خود اختصاص دهد، ضرر بسیاری را متوجه سازندگانش می‌کند. به‌هرترتیب این فیلم با فاصله کمی از اکران، راهی شبکه نمایش خانگی شد؛ فیلمی که در فصل اول نیز توانست رکورد خوبی از خود در اکران به‌جا بگذارد.

نخستین فصل «نهنگ عنبر»، به کارگردانی سامان مقدم، با بازی رضا عطاران و مهناز افشار در سال ۱۳۹۳ با وجود پذیرفتن برخی اصلاحات باز هم مورد تأیید وزارت ارشاد قرار نگرفت و قرار شد با حذف برخی صحنه‌ها مجوز اکران بگیرد. در نهایت این فیلم با حذف برخی صحنه‌ها در اواخر اردیبهشت ۹۴ مجوز اکران گرفت، اما درنهایت در سال ۱۳۹۶ دنباله این فیلم با نام «نهنگ عنبر ۲» اکران شد.

در بی‌میزی‌های فراوانی که شورای پروانه نمایش روی این فیلم اعمال کرد، سامان مقدم، کارگردان، تهیه‌کننده و نویسنده این فیلم، واکنش نشان داد و گفت: «چیزی که می‌بینید، لاشه نهنگ عنبر ۲ است». بااین‌حال، نهنگ عنبر ۲ با فروش تقریباً یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و جذب ۱۱۲ هزار تماشاگر تنها در سه روز اولیه اکران، رکورددار فروش افتتاحیه در سینمای ایران است.

این فیلم در زمان اکران حواشی بسیاری به‌همراه داشت، از جمله مراسم افتتاح فیلم در پردیس مگامال و حواشی صحبت‌های رضا عطاران درباره کاندیدای ریاست‌جمهوری و حواشی‌ای که اکران افتتاحیه این فیلم را نیز تحت‌تأثیر قرار داد، بود. سامان مقدم در مراسم افتتاحیه این فیلم نیز گفت: «معمولا قسمت دوم فیلم‌ها به‌خوبی قسمت اول نمی‌شود، اما من به شما می‌گویم که قسمت دوم این فیلم به خوبی قسمت اول است و فیلمی بسیار دلنشین است».

رضا عطاران، مهناز افشار، ویشکا آسایش حسام نواب‌صفوی، رضا ناجی، امیرحسین آرمان، سیروس گرجستانی و علی قربان‌زاده از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

چندروزی است که نسخه قانونی این فیلم سینمایی در شبکه نمایش خانگی عرضه شده و می‌توانید از دیدن این فیلم کم‌دی لذت ببرید، هرچند ماجرای قاچاق فیلم‌های ایرانی و پخش آنها از کانال‌های ماهواره‌ای ایرانی همچنان ادامه دارد و به‌محض ورود فیلمی به شبکه نمایش خانگی، تمامی کانال‌ها اقدام به نمایش آن می‌کنند و مشخص نیست سرنجام چه زمانی جلوی این روند گرفته خواهد شد؟



عکس: نینا آقا کریمی

خصوصیت او را برابم محترم‌تر می‌کند».

او صحبت‌هایش در مورد «۸۷ متر» را این‌طور ادامه می‌دهد: «معروف است که آقای عیاری از بازی‌کردن خوششان نمی‌آید تو هرقدر پیش از این تجربه بازیگری داشته باشی با این شیوه باز چیزهایی از داشته‌های بازیگری‌ات توسط او کشف می‌شود که خودت‌هم گاهی تعجب می‌کنی. در نهایت به زعم من به عنوان بازیگر کا مقابل دوربین او راحت می‌شود و درست مثل زندگی با همان واقعیت کار می‌کنی. فکر نمی‌کنم کارگردانی تا این حد به جزئیات دقت داشته باشد و نکات ریز بازی را مثل جریان روان و راحت آب برایت مطرح کند و خیلی از مواقع از رفتارهای عادی و روزمره بازیگر برای نقشی که بازی می‌کند ایده می‌گیرد و بعد از ۳۰ سال حضور در این عرصه به گمانم کارکردن با آقای عیاری نگاه دیواره‌ای به حرفه‌ام است. در این سریال هم نقش مادر خانواده پوردورانی را ایفا می‌کنم که درگیر مشکلات و حواشی اتفاقی است که برای آنها پیش آمده است و نقش را دوست دارم».
دیا زاهدی دیگر بازیگر این مجموعه هم در مورد حضورش در این سریال می‌گوید: «قطعا حضورم در این مجموعه متفاوت از نقش‌هایی است که تاکنون ایفا کرده‌ام، تا حدی می‌توان او را مغز متفکر خانواده دانست و خوشحالم که در این پروژه حضور دارم، چراکه از ابتدای حضورم در این حرفه سعی کردم انتخاب‌های درستی داشته باشم و بسیاری از پروژه‌هایی را که حس کردم به نوعی تکرار نقش‌های قبلی است، رد کردم، خوشحالم که فرصتی پیش آمد تا با این گروه خوب کار کنم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش از تجربه حضور در تلویزیون گفت: «این دو مدیوم از جهاتی با هم متفاوت هستند اما به نظرم وقتی در سریالی اینچنینی حضور داری، تفاوت مدیوم‌ها خیلی مهم نیست و به نظرم هر بازیگری از کارکردن در چنین مجموعه‌ای استقبال می‌کند. بازیگری در این سریال برابم متفاوت‌تر است، همه چیز اینجا واقعی اتفاق می‌افتد و نقش ابعاد انسانی و واقعی دارد، برای خودم بازی‌نکردن بسیار لذت‌بخش است و اینجا دقیقا همان جایی است که می‌توان از هر لحظه بازیگری لذت برد».

ساعت شش بعدازظهر را نشان می‌دهد و آخرین تمرین‌ها تا ضبط پلان آخر امروز انجام می‌شود. فریا کامران با کارتونی در دست کنار در ایستاده است و دیا زاهدی هم با وسایلی در دست کنارش ایستاده؛ با شمارش عیاری ضبط شروع می‌شود. دیا زاهدی باید با قدم‌های آهسته به سمت طبقه بالا برود و بعد از آن فریا کامران از سر کنجکاو به دنبالش حرکت کند. شاید به زعم بسیاری این پلان باید خیلی ساده انجام شود اما ظاهرا از دیدگاه کارگردان ریزه‌کاری‌هایی نیاز دارد که منجر به تمرین و برداشت‌های بسیاری می‌شود.

در واپسین ساعت‌های کار، حسن آقا کریمی مدیر تولید این مجموعه تلویزیونی که سال‌هاست با عیاری همکاری می‌کند، درباره شرایط تولید این سرال می‌گوید: «بعد از توقیف دو فیلم «خانه پدری» و «کاناپه» آقای عیاری خیلی انگیزه‌ای برای ساخت سرال نداشت، آن دو فیلم بدهی‌هایی برایش باقی گذاشته بود؛ به ویژه فیلم کاناپه و دوستان و مسئولان هم لطف کردند و بعد از اینکه فیلم دچار مشکل شد از پرداخت وامش اسماک کردند. به هر حال طبق قول و تعهدی که سال‌ها قبل آقای عیاری بابت ساخت این سریال به تلویزیون داده بود، ساخت سریال را آغاز کرد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش از مراحل انتخاب بازیگران مجموعه صحبت کرد و گفت: «یکی، دو بازیگر شناخته‌شده هستند که آقای عیاری علاقه‌مند به همکاری با آنهاست که مهران رجبی از جمله آنهاست و آقای عیاری علاقه‌مند بود در این پروژه حضور داشته باشد و به دلیل مشغله‌های آقای رجبی باید مدتی صبر می‌کردیم تا به پروژه ملحق شود و در نهایت این اتفاق افتاد. تعریفی که می‌توان از «۸۷ متر» ارائه داد این است که این مجموعه یک درام اجتماعی است و مشکلات جامعه ما را موشکافی می‌کند».

به گفته حسن آقا کریمی این سریال در ۴۰ قسمت ۴۵دقیقه‌ای برنامه‌ریزی شده است. او ادامه داد: «اساسا برای آقای عیاری فرقی نمی‌کند سریال می‌سازد یا فیلم ۷۰ میلی‌متری، یا فیلم کوتاه با یک فیلم سینمایی. او یک شیوه برای کارش انتخاب کرده و آن هم دقت و وسواسی است که برای کارش قائل است. به علاوه اینکه غالبا در ۲۰ سالی که با او کار می‌کنم، فیلم‌نامه منسجمی از قبل آماده نیست، طرح‌ها یا خلاصه داستان‌هایی است که آقای عیاری متناسب با شرایط کار آن را سط می‌دهد. غالبا دیالوگ‌ها سر صحنه نوشته می‌شود و همه اینها باعث می‌شود کار با شرایط خاصی جلو برود. ما اسمش را کندی کار نمی‌گذاریم. امیدوارم مسئولان صداوسیما همان‌طور که درباره سریال روزگار قریب با حسن‌یت برخورد کردند با این سریال هم همین کار را انجام دهند. چون قطعا پیشیمان نخواهند شد و این سریال از نمونه‌های درخشان سریال‌سازی تلویزیون خواهد شد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره اینکه تاکنون مشکل و ممیزی در ارتباط با فیلم‌نامه درباره مجموعه اتفاق افتاده است یا خیر؟ گفت: «تعامل تلویزیون تا اینجا با ما خوب بوده است، من باور ندارم تلویزیون نمی‌خواهد کار خوب انجام دهد، اما به هر حال اسیر یک‌سری قواعد است که دست خودش نیست و بسیاری از سوتفاهم‌ها در بسیاری از مواقع بیرون از تلویزیون به آنها تحمیل می‌شود. معتقدم اگر آثار تلویزیونی ما به دور از پیش‌داوری دیده شود قطعا نتیجه بهتر خواهد شد. سوءتفاهم‌های جاری در مورد آثار آقای عیاری به‌زعم ما به دلیل جریان‌سازی کارهایش است. در مورد سریال «۸۷ متر» هم باید بگویم تا آقای عیاری کارش کامل و نهایی نشود، به تلویزیون نخواهد داد. در مورد سریال روزگار قریب هم شرایط به این شکل بود. اما ما در مورد امروز صحبت می‌کنیم. با نقطه نظر امروز این سریال هیچ چیزی برای جرح و تعدیل ندارد. ظاهرا تا پایان تصویربرداری سریال زمان زیادی باقی است، اما بدون شک بازگشت مجدد عیاری به سریال‌سازی را باید به فال نیک گرفت و منتظر ماند و دید در ادامه این مجموعه چه سرنجامی پیدا خواهد کرد و چه زمانی به پخش نزدیک‌تر می‌شود.

شود اما هر چند وقت یک‌بار ضبط پلان‌ها برای همین رفت‌وآمدهای کوچک متوقف می‌شود. علی دهکردی که نقش پدر خانواده را ایفا می‌کند، با پیراهن و شلوار ساده و گرمی که فقط کمی سالخورگی را در چهره‌اش نشان می‌دهد در کناری ایستاده است، وقتی از کریم شخصیت‌های فیلم‌ها و سریال‌های عیاری صحبت می‌کنیم، به یاد یکی از جملات او درباره استفاده از کریم در آثارش در گفت‌وگو با خبرنگاری «فارس» می‌افتم؛ او در بخشی از این مصاحبه گفته بود: «یکی از غم‌بادهای من در این حرفه، کریم است. هیچ دل‌خوشی از کریم ندارم. فقط فکر می‌کنم برای حفظ و بیان شرایط کافی است و اینکه بگویم مثلا اینجا زخمی ایجاد شده، بس است».

تعداد آثار تلویزیونی در کارنامه علی دهکردی کم نیست، اما قطعا سریال «در قلب من» برای بسیاری از مخاطبان تلویزیون خاطره‌انگیز است، هرچند که فعالیت‌های صنفی و حضور در انجمن بازیگران خانه سینما کمی دغدغه‌های ذهنی این بازیگر و کارگردان را بیشتر کرده، اما او همچنان عاشق حرفه‌اش است و از تجربه‌های جدید لذت می‌برد.

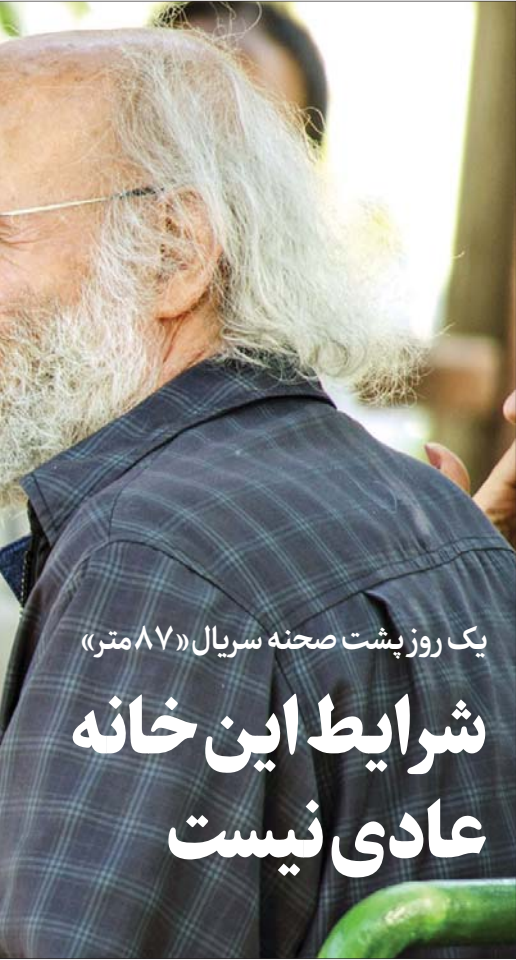
از علی دهکردی درباره تجربه بازی در این مجموعه می‌پرسم و می‌گویم: «به عنوان بازیگر قبلا به این موضوع اشاره کرده بودم که کار با کیانوش عیاری حسرت‌برانگیز است. از زمان دانشجویی و دیدن آثار او با خودم فکر می‌کردم خوش به‌حال بازیگرانی که با او کار می‌کنند و به‌نظرم همیشه می‌توان درباره جزئیات کارش، خصوصا در زمینه بازیگری، تحلیل کارشناسی ارائه داد و متوجه شد که چقدر خوب به همه‌چیز تسلط دارد».

دهکردی در میان صحبت‌هایش به یاد یکی از آثار عیاری می‌افتد و می‌گوید: «زمانی که این فیلم را می‌دیدم، فکر می‌کردم به‌جز بازیگرانی که در فیلم حضور دارند نمی‌شد بازیگران دیگری منصور بود، حتی به یاد دارم جایی خواندم که او کاندیداهایی برای بازیگر هم داشته اما انتخاب همگی آنها شرایط خاص خودش را داشته. اتفاقا همین خصوصیت آقای عیاری و نگاه خاصش به بازیگری باعث شد بر ۸۷ متر سال گذشته انجمن بازیگران خانه سینما جلسهای ترتیب بدهد که او اختصاصا درباره بازیگر در سینما صحبت کند و در نهایت این روزها خوشحالم که افتخار همکاری بسا او را دارم».
دهکردی صحبت درباره ویژگی نقش‌اش در این مجموعه را به زمان پخش سریال موکول می‌کند، درنهایت صحبت‌هایش را با توصیه‌ای به همه کسانی که دوست دارند وارد حرفه بازیگری شوند، تمام می‌کند: «خواهمش این است خانواده‌هایی که علاقه‌مندند فرزندانشان به حرفه بازیگری وارد شوند، نسبت‌به آگهی‌های جذب بازیگر نگران باشند، چراکه بسیاری از این آگهی‌ها از منابع دارای صلاحیت منتشر نمی‌شود؛ مراجع قانونی مثل خانه سینما، خانه تئاتر اساسا چیزی به‌عنوان دریافت پول و انجام تست بازیگری ندارند و از نظر انجمن بازیگران خانه سینما و آموزشگاه‌های فرهنگی و هنری مرتبط با وزارت ارشاد دریافت پول و انجام تست بازیگری قانونی نیست. بنابراین لطفا در این مورد به هر دفتر یا شرکی اعتماد نکنید».



خانه‌ای با حیاطی کوچک و باغچه‌ای که به محض ورود توجه‌ات را جلب می‌کند و پارکینگ بزرگی که حالا پر از اتانیه‌ای است که قرار است به طبقات برده شود، قرار است پلان بعدی در طبقه اول ساختمان تصویربرداری شود، بنابراین همه چیز به طبقه اول انتقال داده می‌شود. شبنم عرفی‌نژاد دستیار کارگردان که سال‌هاست تجربه کار در کنار عیاری و عنوان کارگردان فیلم بلند «پشت در خبری نیست» را در کارنامه دارد، همه چیز را به دقت با عیاری چک می‌کند و فریا کامران و دیا زاهدی را برای پلان بعدی آماده می‌کند. درست مثل زمانی که به خانه‌ای جدید اسباب‌بش‌کی کرده‌ای همه‌جا پر از خرده‌ریزها و وسایلی است که راهرفتن را مشکل می‌کند، فریا کامران و دیا زاهدی هم در این شرایط قرار دارند، دو جعبه بزرگ از وسایل دست آنهاست و باید از پارکینگ به طبقه اول بیایند، اما در این مسیر اتفاق دیگری توجّه آنها را جلب می‌کند، به هر حال شرایط این خانه عادی نیست. قرار است دو خانواده که خانه به دوری آنها فروخته شده است در این خانه ساکن شوند!

فریا کامران بازیگر کزیده‌کاری است، اما بدون شک همان نقش‌هایی که از او در سینما، تلویزیون و خصوصا تئاتر دیده‌ایم در ذهنمان ماندگار شده است. این نخستین‌بار نیست که کامران مقابل دوربین عیاری ایفای نقش می‌کند. «کاناپه» اولین تجربه همکاری مشترک او با عیاری بود. فیلمی که در فهرست فیلم‌های توقیفی جای گرفته است و مشخص نیست به نمایش گذاشته شود یا خیر، اما حضور فریا کامران در این فیلم آن‌قدر درخشان است که نمی‌توان بازیگر دیگری را جای او متصور بود. اتفاقا گفت‌وگو با کامران از همین جا آغاز می‌شود. اینکه در این فیلم آن‌قدر داستان پررنگ است که مسائل حاشیه‌ای آن دیده نمی‌شود و خوشحالم در ریسکی که آقای عیاری به خرج داد سهمیم بودم. اما قطعا نکته جالب برای من در شخصیت آقای عیاری در کنار تسلط خوبی که به کارش دارد این است که این آدم به هیچ‌وجه از خواسته‌ها و ارزش‌هایش کوتاه نمی‌آید و این



یک روز پشت صحنه سریال «۸۷ متر»

شرایط این خانه عادی نیست



بهناز شیربانی

«روزگار قریب منظومه‌ی دل‌پذیر، جذاب، منسجم، پرکشش، و آرام و بی‌بیا هوئی نوع‌دوستی‌ست که پزشک توانا و دریدالی در کانون آن، چون قلب، می‌تپد. آن تصویر آرمانی که در سینما و تلویزیون دنیا بار پزشک‌های خیالی کرده‌اند در منظومه‌ی روزگار قریب واقعاً وجود داشته و کیانوش عیاری با ظرافت و وسواس و لطافت توانسته، بی‌سقوط در ورطه‌ی احساساتی‌گری، تراس دل‌خواه و سینمایی‌اش را روی الگوی زندگی، تلاش و مرگ پزشک فرزانه و عمیقاً انسان‌دوست، دکتر محمد قریب‌فقیه، پیاده کند. عیاری آشکارا به زانراه و سبک کلاسیک علاقه‌مند و پای‌بند است، و با این حال با قریب به قلم یکی از سینمایی‌نویسان زنده یاد ابرج گرمی سینمای ایران، و با چنان ساخت و پرداخت سنجیده و دقیق و ظریفی که هر چیزی را چنان سر جای خودش نهاده که همه چیز به نحو غربیی سامان طبیعی یافته ـ و از جمله خود «قریب» ـ منظومه‌ای آفریده که به سهم خودش آبروی زیادی ـ به هر دو معنای آن: بسیار و زیادی ـ به تلویزیون ما می‌دهد.» این جملات از زیاترین و دقیق‌ترین یادداشت‌هایی بود که در زمان پخش سریال روزگار قریب به قلم یکی از سینمایی‌نویسان زنده یاد ابرج گرمی می‌خواندم و معنای دقیق آن را می‌توان در ساخته‌های سینمایی و تلویزیونی کیانوش عیاری دید. اس۱۱ل پیش بود که عیاری ساخت سریالی را آغاز کرد که در ظاهر تنها قصه زندگی پرفرآز و نشیب یک پزشک موفق ایرانی را روایت می‌کرد، اما در پس این داستان به ظاهر ساده با روایت عیاری به سال‌هایی سفر کردیم که گذشتگانمان دیدند و لمس کردند، اما این تاریخ‌نگاری به هیچ‌وجه غلوآمیز و حوصله سر بر نبود، چرا که اساسا عیاری بلد نیست مخاطبش را با کرافه‌گویی دلزده کند، او از تعدود فیلم‌سازانی است که خود زندگی را مقابل چشمانت می‌گذارد و بی‌آنکه حضورش حس شود از لحظه‌هایی روایت می‌کند که فاصله‌ای با قصه حس نمی‌کنی. چندین سال پس از ساخت سریال‌های «هزاران چشم»، «روزگار قریب» باید خوشحالم بود که کیانوش عیاری با تمام فرازونشیب‌ها و اتفاقاتی که بر سر اکران دو فیلم «خانه پدری» و «کاناپه» آمد، به دعوت رسانه ملی پاسخ مثبت داد و ساخت «۸۷ متر» را آغاز کرد. سریالی که در زمان معاصر روایت می‌شود، ظاهرا سفارش ساخت این مجموعه سال‌ها پیش به عیاری داده شد و فرصتی برای ساخت آن مهیا نبود و در نهایت چند ماهی است که کیانوش عیاری و گروهش ساخت این مجموعه را آغاز کرده‌اند. دو کامیون بزرگ پارک شده و پر از اثاثیه مقابل خانه‌ای قدیمی... این نخستین تصویری است به محض ورود به لوکیشن تصویربرداری مجموعه می‌بینیم.
قصه «۸۷متر» از اینجا آغاز می‌شود. فروش خانه‌ای توسط یک کلاهبردار به چند خانواده و در نهایت ماجراهایی که بعد از آن خواهیم دید.

دیدن کیانوش عیاری پشت ماینیتور و در حال کار حس خوبی است، شاید کمتر فیلمسازی بعد از گذشت چندین سال از ساخت فیلم‌هایی که همچنان مهر توقیف بر پیشانی دارند، انگیزه‌ای برای ادامه داشته باشد، اما عیاری در این سال‌ها بی‌آنکه از حرفش کوتاه بیاید تنها خواستار اکران بدون ممیزی فیلم‌هایش هست و بی هیچ خاشی و سخن اضافه‌ای منتظر است تا زمان تکلیف فیلم‌هایش را مشخص کند.

اما اینجا درست چند دقیقه‌ای پیش از آغاز تصویربرداری یکی از پلان‌های اصلی سریال، همههم کارگرانی است که باید در صحنه حضور داشته باشند و کمک کنند تا اثاثیه کامیون‌ها به داخل خانه آورده شود و باعث می‌شود چند دقیقه‌ای از بیرون خانه نگاهی به چگونگی اجرای پلان داشته باشیم. برای این پلان باید گلدانی در دست یکی از کارگران باشد، در نهایت عیاری با دقت گلدانی را از باغچه انتخاب می‌کند به کارگری که باید آن را حمل کند می‌سپارد و توصیه‌های لازم را یادآوری می‌کند، اینکه چطور وارد شود، گلدان در کدام دستش باشد و... . اساسا کسانی که با شیوه کار او آشنا هستند می‌دانند تک‌تک این نکات در خروجی چیزی که مد نظرش هست تأثیر دارد و به آنها فکر کرده، این بار نوبت علی دهکری و دیا زاهدی دو بازیگر اصلی مجموعه است که توصیه‌های عیاری را با دقت گوش دهند آنها پدر و دختر خانواده (پوردورانی) هستند که قرار است بالای سر کارگران باشند و به آنها کمک کنند. با شمارش عیاری تصویربرداری آغاز می‌شود، کارگر با گلدانی در دست از پشت کامیون به سمت خانه حرکت می‌کند و علی دهکردی پشت سر او حرکت می‌کند.

دهکردی: حواست باشه... مراقب برکاش باش

همین پلان کوتاه پر از نکته‌های ظریفی است که به نظر عیاری نیاز به برداشت‌های دیواره دارد و در نهایت بعد از چند بارتمرین و تکرار، این پلان مهانی می‌شود که باید. تقریبا تمام عوامل و بازیگران در کوجه هستند و مشغول تمرین پلانی که قرار است چند دقیقه دیگر گرفته شود، هر از چند گاهی همسایه‌ای که در خانه رو به روی ساکنان است از گوشه پنجره نگاهی به کوجه می‌اندازد و از بازیگران و عوامل پشت دوربین می‌پرسد چیزی نیاز دارند که برایشان بیاورد؟
منا بین تمرین‌ها فرصت خوبی است که از عیاری درباره شرایط حال حاضر و همکاری با تلویزیون پرسسیم، عیاری می‌گوید تا به امروز تعامل خوبی بین او و تلویزیون بوده است، اما سال‌ها پیش عیاری حین ساخت سریال «روزگار قریب» فیلم «بیدار شو ارزو» را ساخت و زمان طولانی مدت ساخت سریال او را از ساخت فیلمی سینمایی منصرف نکرد. از او می‌پرسم ممکن است «۸۷ متر» آخرین ساخته تلویزیونی او باشد؟ او می‌گوید: «هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست اما به احتمال زیاد فیلم می‌سازم و ایده‌ای در ذهن دارم که قطعا آن را تبدیل به یک فیلم سینمایی خواهم کرد».
با اینکه روزی تعطیل است به نظر می‌آید آمد و رفت دو کوجه‌ای که بخشی از آن با کامیون‌های بزرگ احاطه شده است، کمتر